

رویدادهایی که مرقس در این قرائت توصیف می کند در روزی اتفاق می افتد که مسیحیان جمعه خوب نامیده اند. آنها ارزش خواندن بیش از یک بار، با تامل و دقیق را دارند زیرا اگرچه این گزارش از مرگ عیسی ساده است اما ناراحت کننده و الهام بخش است.

آیزاک واتس نوشت: "هنگامی که من صلیب شگفت انگیز را بررسی کردم، جایی که شاهزاده جوان جلال در آن مرد، بزرگترین دستاورد این می شود که، به رغم محاسبه ضرر و تمام غرور خود را تحقیر می کنم".

رومیان مصلوب شدن را برای بدترین جنایات در نظر می گرفتند، این همیشه در ملا عام اتفاق می افتاد که همه آنچه را که اتفاق می افتد ببینند، تحقیرآمیز بود زیرا قربانیان در معرض دید و برهنه بودند، این دردناک بود به دلیل میخ ها و در نهایت چون برای نفس کشیدن باید بدن خود را بالا می آوردند و وقتی که دیگر توان نداشتند می مردند، خفه می شدند.

رومی ها عیسی را به صلیب کشیدند زیرا آنها گفتند که او می خواهد پادشاه شود. به همین دلیل است که سربازان رومی او را مسخره کردند، تاجی از خار بر سر او گذاشتند و روپوش بنفش بر روی او قرار دادند زیرا بنفش رنگ امپراطورها بود. (آیات ۱۶-۲۰) همچنین به دستور پونتیوس پیلطس فرماندار روم تابلویی را بالای سر او قرار دادند که روی آن نوشته شده بود ... این پادشاه یهودیان است.

در آیه ۳۳ می گوئیم که عیسی با صدای بلند فریاد زد: "خدای من، خدای من چرا مرا رها کردی." این خیلی ناراحت کننده است. عیسی احساس کرد که گویی خدا او را رها کرده است زیرا عیسی گناه ما را می پذیرد و مقصر همه کارهای اشتباهی است که انجام داده ایم. دوم قرن‌تیا ۵ آیات ۱۸-۲۱. کتاب مقدس از بسیاری جهات معنی مرگ عیسی را توصیف می کند. در اینجا پولس در حال توصیف عیسی مسیح به عنوان پیش کش گناه، یعنی کسی که تقصیر کس دیگری را گردن می گیرد، می باشد. به همین دلیل یحیی تعمید دهنده عیسی را بره خدا توصیف کرد که گناهان جهان را بر گردن می گیرد. همه ما لحظاتی را تجربه می کنیم که ممکن است احساس کنیم خدا ما را رها کرده است زیرا از همه کارهای اشتباهی که انجام داده ایم شرم‌منده هستیم، اما عیسی همه تقصیر را گردن میگیرد اگرچه بدون گناه بود تا بتوانیم در محضر خدا بایستیم.

وقتی عیسی گفت 'خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی' یکی از مزامیر را نقل می کرد. مزمور ۲۲. عیسی مزامیر را می شناخت و دوست داشت، او از کودکی آنها را تلاوت می کرد و هنگامی که مزمور را نقل می کرد، لازم به یادآوری است که او همچنین می دانست که چگونه مزمور با اطمینان، امید و محکومیتی با حضور خدا پایان می یابد آنجا که او رنج می برد و درد داشت.

اگر چه عیسی احساس کرد که گویی از خدا جدا شده است، ولی خدای پدر در آنجا بود، خدای پدر وفادار ماند و در رنج عیسی شریک بود. به همین دلیل پولس می گوید، "خدا در مسیح بود در حال آشتی دادن جهان با خودش." دوم قرن‌تیا ۵ آیه ۱۹ و به همین دلیل است که عیسی هنگام مرگ می توانست روح خود را به دست خدا بسپار، لوقا ۲۳ آیه ۴۶.

مزمور ۲۲ یک دعای قلبی است وقتی که نویسنده مزمور سخت در اضطراب بود و از خود می پرسید که چرا او رنج می برد و از خدا التماس می کند که او را رها نکند آیات ۱۰ و ۱۱. به عنوان مثال، چگونگی مورد تمسخر قرار گرفتن او آیات ۶، ۷ و ۸. همچنین نحوه تقسیم لباس او و قمار سربازان برای آن را شرح می دهد. به آیه ۱۸ رجوع کنید همچنین مرقس ۱۵ آیه ۲۴. به دلیل نحوه انجام دادنش این مزمور به عنوان مزمور نبوی یا مسیحایی تلقی می شود، و آنچه را که برای عیسی اتفاق می افتد توصیف می کند حتی اگر صدها سال قبل از آن نوشته شده باشد.

مزمور همچنین وفاداری خدا را توصیف می کند. آیه ۲۴ را ببینید \ " زیرا او از رنج شخص مبتلا را حقیر نمی بیند و او را رد نمی کند و چهره خود را از او پنهان نکرده است اما به فریاد کمک او گوش می دهد. \ " همچنین آهنگ های امید و شادی را توصیف می کند که کسی که رنج می برد وقتی پادشاهی خدا فرا می رسد در آن سهیم خواهد بود. آیات ۲۵ - ۲۸.

بنابراین، وقتی انجیل ها، متی، مرقس، لوقا و یوحنا را هنگام توصیف وقایع زندگی و خدمت حضرت عیسی می خوانیم، همیشه باید به یاد داشته باشید که بین گفته های عهد عتیق، قسمت اول کتاب مقدس و عهد جدید، نیمه دوم کتاب مقدس ارتباط نزدیکی هست.

بعضی اوقات عهد جدید چیزی را محقق یا کامل می کند که در عهد عتیق ناقص بود و گاهی اوقات عهد عتیق به ما کمک می کند تا چیزی را در عهد جدید درک کنیم. هر دو دست در دست هم پیش می روند.

آیزاک واتس در مورد صلیب در همان سرودی که قبلاً نقل کردم نوشت.

" ببینید از سر او، دستانش، پاهایش، غم و اندوه و عشق به هم آمیخته اند، آیا تا به حال چنین محبت و رحمتی دیده شده است یا خاها تاجی چنین غنی ساخته اند.

کل قلمرو طبیعت من ، یک پیشنهاد بسیار کوچک بود. عشق بسیار شگفت انگیز، بسیار الهی، زندگی من، روح من، همه من را می طلبد . "